



جمعه های انتظار؛ چرا حکومت امام مهدی(عج) را حکومت مستضعفان می نامند؟

برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم ضرورت دارد، زیرا که در تمامی دوران گذشته تاریخ مورد اصلی ظلم و بی‌عدالتی، طبقات محروم بوده‌اند.

برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم ضرورت دارد، زیرا که در تمامی دوران گذشته تاریخ مورد اصلی ظلم و بی‌عدالتی، طبقات محروم بوده‌اند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: با ظهور حضرت حجت(ع) طبق وعده الهی، مستضعفان، حاکمیت و حکومت را بر دست خواهند گرفت و حاکم مستضعفان امامی خواهد بود که به امر الهی قرن‌ها در پرده غیبت و منتظر اجرای احکام و اوامر الهی برای تحقق حکومت مستضعفان است. اما مستضعف به چه معناست؟

واژه «مستضعف» از ماده «ضعف» است، اما چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده اند و دربند و زنجیر کرده اند. به تعبیر دیگر مستضعف کسی نیست که ضعیف و ناتوان و فاقد قدرت و نیرو باشد. مستضعف کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه ظالمان و جباران سخت در فشار قرار گرفته، ولی با این حال در برابر بند و زنجیر که به دست و پای او نهاده اند ساکت و تسلیم نیست و پیوسته تلاش می کند که زنجیرها را بشکند و آزاد شود، دست جباران و ستمگران را کوتاه سازد و آئین حق و عدالت را برپا کند.

همچنین اگر بشر به وظیفه خود در قبال امامت عمل نکند، پدیده «استضعاف امامت» پیش می آید. استضعاف امامت یعنی تضعیف امامت و بی یاور گذاشتن آن. آن گاه که جامعه ای جریان امامت را تنها گذارد و منطق آن را نپذیرد و آن را در اقلیت قرار دهد و به انزوا سوق دهد، گفته می شود که امامت را تضعیف کرده اند. استضعاف امامت، کاهش نقش آن در جامعه و به طور مشخص کنار گذاشتن آن از جریان حکومت و حاکمیت می باشد.

ره آورد استضعاف امامت دو چیز بوده است: اول «خانه نشینی امام» و دوم «غیبت امام» بر همین اساس می توان این مقطع از تاریخ امامت را به دو دوره خانه نشینی و غیبت تقسیم کرد. دوره اول یعنی خانه نشینی امام، تا پیش از آخرین امام است و دوره غیبت، مربوط به امام آخرین. در مکتب اسلام تعداد امام، معین و محدود است، از این رو در آخرین امام، پدیده خانه نشینی که نهایت آن شهادت است رخ نمی دهد، بلکه برای وضعیت آخرین امام، تدبیر خداوند متعال غیبت و سپس ظهور است.»(۱)

در قرآن در چند آیه از واژه مستضعف استفاده شده است، از جمله؛

«وَأُوْرثْنَا الْقَوْمَ الَّذِیْنَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِی بَارَكْنَا فِیْهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنٰی عَلٰی بَنِیْ إِسْرَائِیْلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانِ یَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا یَعْرِشُونَ»(۲)

خاوران و باختران زمین را، که به آنها برکت داده بودیم، میراث قومی قرار دادیم که فرودست (مستضعف) نگاهداشته می‌شدند؛ و وعدهٔ نیکوی پروردگار به بنی اسرائیل-به سبب صبری که کرده بودند-انجام یافت؛ ما آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه برمی‌افراشتند، ویران کردیم.

این آیه دربارهٔ زوال حاکمیت طاغوتی فرعون و تأسیس حکومت مستضعفان به دست پیامبر بزرگوار حضرت موسی(ع) است.

«وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِیْلٌ مُسْتَضْعَفُوْنَ فِی الْاَرْضِ، تَخَافُوْنَ اَنْ یَّحْطِفْكُمْ النَّاسُ، فَاَوَاكُمُ وَ اَیْدِكُمْ بِنَصْرِهِ، وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ، لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ»(۳)

زمانی را به یاد آورید که شماری اندک بودید (در میان دشمنان بسیار) و شما را در زمین (مکه) فرودست (مستضعف) می‌شمردند، و بیم آن داشتید که با یک هجوم کارتان را بسازند، در آن حال، خداوند پناهتان داد، و یاریتان کرد، و روزیهای پاکیزه بخشید، تا مگر سپاس دارید.

این آیه کریمه دربارهٔ تأسیس دولت محمدی(ص) و نجات مستضعفان جزیره العرب به دست پیامبر مستضعفان حضرت

محمد(ص) است. این دولت پس از پیامبر اکرم(ص) در مدت زمان امامت امام علی(ع) نیز ادامه یافت، و روح اصلی آن که مستضعف‌گرایی و حمایت از محرومان و پابرهنگان و طرد و نفی مستکبران و زراندوزان و طاغوتان بود کاملاً پایدار ماند، و آخرین روزهای حکومت عدل علوی، آخرین روزگار حاکمیت این خط اصیل اسلامی بود.

«و تُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ، وَ تَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً، وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(۴)

ما می‌خواهیم به مستضعفان زمین نیکی کنیم، یعنی: آنان را پیشوایان سازیم و وارثان زمین.

این آیه به صراحت، از امامت مستضعفان سخن گفته است و فرودستان و مستضعفان را میراث بر آن زمین معرفی کرده است، درباره‌ی دوران ظهور و رستاخیز قیام مهدی آل محمد(ص) است، که به دست آن منجی بزرگ این وعده‌ی خدایی تحقق می‌پذیرد.

امیرالمؤمنین(ع) در تفسیر آیه فرموده اند: «هم آل محمد، یبعث الله مهديهم بعد جهدهم، فيعزهم و يذل عدوهم»(۵)

ایشان (مستضعفان میراث بر زمین)، خاندان پیامبرند که خداوند پس از سختیها، مهدی ایشان را برانگیزد و به آنان عزت بخشد و دشمنانشان را خوار سازد و واضح است که حکومت آل محمد(ص) یعنی همان حکومت مردم مستضعف و رسیدن محرومان به حق خود.

از نظر دیگر نیز برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم ضرورت دارد، زیرا که در تمامی دوران گذشته تاریخ مورد اصلی ظلم و بی‌عدالتی، طبقات محروم بوده‌اند و سرانجام باید پدیده‌ی ناهنجار و ضد بشری «استضعاف» - که تعبیری از همه‌ی ظلمها و ستمهاست - از میان برود و انسان از زیر بار سنگین و شکننده آزاد شود.

در این راستا و برای این امر مهم، مبارزه با علل اصلی استضعاف ضرورتی اجتناب ناپذیر است. روشن است که زورمندان و زر به دستان، دو عامل اصلی استضعاف بخشهای عظیم انسانی در گذشته و اکنون بوده‌اند و هستند. هر ظلم و ستمی که به محرومان و بی‌پناهان شده است، یا مستقیم به دست حکومت‌های اشرافی و مرفه انجام گرفته است و یا به دست طبقات اشراف و سرمایه‌داران و قانونیانی که در زیر چتر حمایت حکومت‌های مستکبر قرار داشتند و با حمایت قانونی و عملی آنها راه ظلم و تحمیل و استثمار را هموار می‌ساختند.

این نظامها و جریانهای ضد بشری هنگامی پایان می‌یابد که حکومت و قدرت سیاسی و نظامی جامعه فقط و فقط به دست طبقات محروم و مستضعف سپرده شود. دفاع از حقوق پایمال‌شده فرودستان و مستضعفان آنگاه امکان دارد که حاکمیت به دست آنان سپرده شود. هر حکومتی هرچه صالح باشد نمی‌تواند حقوق محرومان را به آنان بازگرداند، مگر اینکه خود از این طبقه باشد و دردهای این طبقه را با تمام وجود خویش لمس کرده باشد و این چگونگی تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه طبقه حاکم از مستضعفان باشند. تنها و تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت در قانون و اجرا و در تئوری و عمل، جانب محرومان رعایت گردد و پایگاههای استکبار و قدرت و سلطه واژگون شود و پدیده‌ی «استضعاف» از سرزمین زندگی محو گردد. (۶)

امام خمینی(ره) در این مورد می‌فرماید: «ما امید آن داریم که همه اقشار ملت‌های مستضعف به هم بپیوندند. ... باید این نهضت در تمام عالم - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ، و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد]... سایر اقشار ملتها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپاخیزند؛ بلکه مستضعفین بپاخیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند.»(۷)

منابع:

۱- دانشنامه موضوعی قرآن کریم، مقاله مستضعف در قرآن و روایات، فاطمه ترکی

۲- آیه ۱۳۷ سوره اعراف

۳- آیه ۲۶ سوره انفال

۴- آیه ۵ سوره قصص

۵- شیخ طوسی، غیبت، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی ۱ / ۶۰۴، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، ج ۱۶، ص ۱۸، به نقل از تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰

۶- عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهشی در انقلاب جهانی امام مهدی «عج» محمد حکیمی صص ۱۶۷-۱۷۰

۷- صحیفه امام ج ۷، قم ۱۳۵۸/۰۲/۲۴